

ابن سینا و آثار او به زبان فارسی

(^۱) اصغر شیروانی*

(^۲) اشرف شجاعی

(۱) عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

(۲) دبیر ادبیات فارسی آموزش و پرورش اصفهان

چکیده مقاله

عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن
(حکیم سنایی)

علاوه بر وجود پیامبران و معصومان الهی که آسمان شب تاریک جهان بشر را با نور خورشید وجودشان روشن و درخشان ساخته اند، در هر هزاره ای اختر تابان نابغه ای بی مانند در فضای آسمان تاریخ بشر درخشیده و با نور نبوغ وجود خویش، نه تنها مردم زمان خود که آیندگان دیگر اعصار و قرون را مات و مبهوت وجود خود ساخته اند.

یکی از بی مانندترین این نوایغ، به تأیید و تصدیق فرزندان جهان، حجه الحق، ابوعلی سینا است که به حق او را نابغه بزرگ شرق و شیخ الرئیس نامیده اند.

خورشید وجود آن حکیم در افق مشرق ایران (در خرمین از توابع بخارا) به سال ۳۷۰ هجری قمری طلوع کرد و گرچه در سال (۴۲۷ هـ. ق) جسم شریفش در دل خاک های همدان آرمیده نه تنها آن مهر درخشان را افول و غروبی نبوده، که شعاع نور وجودش روز به روز تابان تر و روزافزون تر بوده و می باشد. شگفتا از آن همه قدرت و توان معنوی و هوش و استعداد و ذکاوت خدا داده فراوان که در سن هجده سالگی جامع جمیع علوم زمان و یگانه روزگار خویش بود و با وجود عمر کوتاه پنجاه و هفت ساله و آن همه مشاغل سیاسی و کار طاقت فرسای درباری آن هم از بیش از سپیده دم تا بعد از نیمه های شب در حل و فصل امور مملکتی و علاوه بر آن کار تعلیم شاگردان و افزون بر آن معالجه بیماران و گاه تحمل درد و رنج جلای وطن و سفر به اجبار و مهاجرت از دیاری به دیاری دیگر و حتی تحمل لحظه های دردآور گوشه مرطوب و تاریک زندان. با وجود این همه اشتغالات و دردهای طاقت فرسا به تزیین و تألیف این همه آثار مهم عظیم ارزشمند و علمی پرداخته که هر کدام از آن ها بیانگر نهایت وقت و زحمت و معرفت علمی عمیق آن بزرگوار است.

* آدرس دانشگاه: نجف آباد - دانشگاه آزاد اسلامی گروه زبان و ادبیات فارسی

هنوز هم کتاب قانون او در پزشکی، نه تنها در شمار آثار بزرگ طبی که مورد استفاده و تدریس در دانشگاه های پیشرفته و مهم جهان امروز است. هنوز هم کتاب شفای او در حکمت مورد تعلیم و تدریس و از جمله مهم ترین کتاب های علمی جهان است. هنوز هم اشارات و تنبیهات او مورد توجه جهانیان است.

شگفت آن که هیچ مورخ و تذکره نویسی شیخ الرئیس ابن سینا را، عارف خرقه پوش و خانقاه نشین نمی داند. اما شیخ ابوسعید ابوالخیر، عارف مشهور معاصر وی، او را اهل معرفت می داند و درباره او به مریدان می گوید آنچه ما می بینیم او می داند.

هنوز هم نمط نهم اشارات وی را بهترین بیانگر و راهنمای مراحل حالات و مقامات سیر و سلوک عرفانی می دانند.

هنوز هم اهل معرفت با مطالعه قصیده عینیه او به اعماق دریای شور و حال عرفانی فرو می روند.

هنوز هم آثار مهم و عظیم علمی او به زبان فارسی و عربی، بزرگان علم و ادب را مات و مبهوت مقام عمیق علمی و ادبی، حکمی و طبی آن حکیم بزرگوار ساخته است آثاری ارزشمند و بی مانند چون: قانون، شفا، اشارات و دانشنامه علایی، رساله نبض، قراضه طبیعیات و آثار فراوان علمی و حکمی دیگر آن اعجوبه روزگار و روزگاران.

هنوز هم بزرگان جهان در مقابل درمان های عجیب آن طبیب حکیم کاردان انگشت تعجب به دهان مات و مبهوت آن همه نبوغ و دانش و معرفت وی می باشند.

هنوز هم بزرگان و صاحب نظران زبان و ادب فارسی آثار فارسی آن حکیم ادیب و توانا را از جمله مهمترین شاهکارهای نثر شیوا و زیبا و شعر شیرین و پرمعنی فارسی می شمارند و آثار به نثر نوشته او را از جمله گنجینه های ارزشمند سرشار از ویژگی های سبکی و واژه های فارسی سره می دانند.

انصاف را که سخن گفتن درباره آن نابغه بزرگ زبان و بیان توانایی دیگر و در نوشتن قلمی اعجاز آفرین و سخار و مجالی وسیع تر می طلبد که زبان الکن و بیان نارسا و قلم سرشکسته مرا آن قدرت و توان و این مقاله را وسعت آن نمی باشد لهذا عنایت صاحب نظران و محققان فرزانه را جهت مطالعه متن کامل مقاله که شمه ای از آن گنجینه های پربار و ذره ای از آن عظیم آثار می باشد و مطالعه کامل آن تالیفات و تزیینات مهم و ارزشمند خواستار می باشد.

مقدمه

در تاریخ بشر، از عصر حجر تا به امروز علاوه بر پیامبران الهی، نوابغی ظهور کرده اند که خورشید وجودشان آسمان علم و تمدن و ادب جهان ما را درخشان و جهانیان را با خلق آثار علمی و تحقیقی خود غرق اعجاب و تحسین کرده اند. خورشید صفتانی که اگر چه جسمشان در دل خاک آرمیده، روح والا و نام بلندشان همراه آثار پرارجشان نه تنها تا به امروز که تا جاوید زمان می درخشد و زنده جاوید می باشد. یکی از آن نوابغ بی مانند که قرن ها می گذرد و همانندش نیامده است، نابغه شرق حجه الحق، شیخ الرئیس، ابو علی سینا است که نه تنها دانشمندان و مردم ایران که در سراسر دانشگاه های عالم و در گوشه و کنار جهان، همه جهانیان با نام پرآوازه و آثار گرانقدر آن حکیم عالیقدر آشنایی دارند و با وجود ده قرن که از دوران حیات او می گذرد، اگر نگوییم همه کتاب های او که برخی از آثارش، جزو کتاب های درسی و مورد تدریس و بررسی دانشگاه های پیشرفته دنیا می باشد.

شگفتا، که انسانی در طول عمر کوتاه پنجاه و هفت ساله اش (۴۲۷-۳۷۰ هـ. ق) با وجود آن همه مشاغل سیاسی که در بیشتر سالهای عمر داشته و یا روزهای تیره و تار و سراسر پریشان و پرمخاطره آوارگی و سیر و سفر در کوه و بیابان و یا ایام پر درد و رنج زندان خالق این همه آثار گران بهای علمی و تحقیقی باشد!

در تحصیل علوم، تا آن حد، جدی و کوشا و ساعی که در هجده سالگی، آن هم بیشتر با مطالعات شخصی، جامع جمیع علوم زمان و یگانه روزگار، تا آن مرتبه و پایه که بتواند بیماری نه تنها مردم کوی و بازار که بیماری پادشاه سامانی را درمان و به دربار و کتابخانه مهم آل سامان راه پیدا کند و با مطالعه کتب ارزشمند و نادر علما و حکما و ریاضیدانان موجود در آن کتابخانه جامع جمیع علوم ایشان شود و به شرح و نقد و تصحیح آثار حکیمان و دانشمندان یونان و روم بپردازد.

عجبا، از آن همه قدرت تفکر و اندیشه و توان آن بزرگمرد عمیق اندیش و حکیم، که هم وزارت پادشاه و اداره امور و حل و فصل مشکلات را از سپیده دم تا نیمه شب عهده دار بود و هم مصاحب و

مشاور و همراه پادشاه و هم متعهد تعلیم و تدریس شاگردانی چون ابو عبید جوزجانی و با کالیجار دیلمی!
و هم مشغول به معالجه بیماران! و علاوه بر همه این اشتغالات، خالق و موجد این همه آثار ارزشمند
علمی! آن هم با قلمی توانا و نثری زیبا و رسا و دلربا و موفق به تالیف و تصنیف کتابها و رساله های
عمیق و دقیق به زبان عربی و فارسی!

عجیب آن که شیخ الرئیس عارف نبود اما ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور معاصر وی، پس از دیدار
و نشست با حکیم به مریدان فرمود، آنچه ما می بینیم او (حکیم) می داند.

نمط نهم اشارات حکیم بیانگر تمام مقامات و احوال عارفان بوده و می باشد هنوز هم عارفان و
ادیبان هر کدام با مطالعه قصیده عارفانه عینیه، حکیم غرق شور و حال می شوند و التذادی روحانی دارند.
حقیقت آن که از دامان زنی به نام ستاره خورشیدی طلوع کرد که نه تنها نام او و نام پدرش عبد الله
و نام استادش ناتلی را که مدتی کوتاه به تعلیم ابو علی پرداخت بلند آوازه و جاویدان کرد که آسمان علم
و ادب ایران زمین و جهان را درخشان ساخت.

اندیشیدن و پرداختن به مطالعه آثار و سرگذشت سراسر افتخار ابوعلی توفیق و عشقی است، شوق و
شور بخش عاشقان علم و ادب عشقی که پایش نیست همان عشقی که مولای روم فرماید

هر چه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل باشم از آن

چون که پایانی ندارد این کلام
پس سخن کوتاه باید والسلام

بر آن بودیم که درباره آثار ارزشمند آن نابغه شرق حداقل درباره شفا و قانون و یا قصیده عینیه و یا
دست کم درباره یکی از آثار پارسی آن بزرگوار، کاری بهتر و کاملتر تقدیم کنیم ولی با عرض پوزش که
با دیر آگاه شدن گردآورده ای مختصر نه شایسته آن حکیم و آن همایش که در خور خود آن هم با
بضاعتی مزجه و قلمی نارسا، برای شرکت و استفاضه از محضر محققان و صاحب نظران ارسال داریم
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ابو علی سینا

شرح حال ،

نام : حسین نام پدر : عبدالله نام جد : سینا

کنیه اش : ابو علی لقب هایش : شیخ الرئيس ، حجه الحق ، شرف الملک ، نابغه شرق

سال تولد : ۳۷۰ هـ. ق سال وفات : ۴۲۷ هـ. ق محل تولد : خرمیثن بلخ

محل وفات: همدان

شرح حال :

نابغه شرق ، حجه الحق ابوعلی سینا، فیلسوف ، حکیم ، طبیب و نویسنده و وزیر مشهور ایرانی آخرین حکیم شرق و از جمله بزرگترین حکیمان عالم اسلام و یکی از جمله اعظم کارگزاران دوران اسلامی در روزگار سامانیان و آل بویه بود. پدرش عبدالله از مردم بلخ و از جمله عوامل دولت سامانی بود که در زمان سلطنت نوح بن نصر سامانی (۳۹۶-۲۸۷ هـ.ق) به بخارا رفت و عمل روستایی از توابع بخارا به نام خرمیثین را یافت و با زنی به نام ستاره از اهالی افشنه ازدواج کرد و در ماه صفر ۳۷۰ هجری قمری از وی صاحب فرزندی به نام حسین شد . مدتی بعد عبد الله با فرزندان خود علی و حسین و محمود به بخارا رفت و در آن شهر اسباب تحصیل فرزندان خود را فراهم کرد حسین در آنجا به آموختن قرآن و فقه و ادب و حساب و هندسه پرداخت تا آنکه ابو عبد الله ابراهیم بن حسین ناتلی از دانشمندان مشهور قرن چهارم هجری به بخارا آمد و به خواهش عبد الله (پدر ابن سینا) در خانه او منزل کرد و به تعلیم و تربیت حسین پرداخت و حسین به سرعت کتب منطق و مجسطی و اقلیدس را نزد آن استاد آموخت و آنگاه که استادش ناتلی از بخارا به خوارزم رفت حسین ، خود به تحقیق و مطالعه علوم الهی و طبیعی و طب پرداخت و در همه این علوم یگانه عصر خویش شد و با معالجه پادشاه سامانی به دربار او راه یافت و از

کتابخانه بزرگ پادشاهان سامانی بهره فراوان برد تا آن حد که در هجده سالگی (سال ۳۸۷) همه علوم زمان خویش را آموخته و سرآمد دانشمندان عصر خویش بود.

ابوعلی (حسین بن عبدالله) در بیست و یک سالگی تألیفات خود را آغاز کرد و در بیست و دو سالگی پدرش عبدالله درگذشت. ابوعلی چندی در بخارا به کار پدر مشغول بود تا آن که آل افراسیاب به بخارا تاختند و وضع کار و حال آن دیار آشفته و پریشان شد به همین سبب ابوعلی از بخارا کوچ کرد و به گرگانه (گرگانج) پایتخت مأمونیان خوارزم روی آورد و به خدمت ابوالعباس علی بن مأمون رسید و آن پادشاه و وزیرش ابوالحسین محمد سهلی (سهیلی) که از بزرگان علم و ادب بود مقدم او را گرامی داشتند و در عزت و احترام او کوشیدند. ابوعلی، چند سالی در آن دیار و آن دربار بسر برد و برخی از کتاب های علمی خود را در آن سامان تألیف کرد و (به روایت نظامی عروضی در چهار مقاله) با دانشمندانی چون ابوسهل مسیحی و ابوالخیر خمار و ابونصر عراق و ابوریحان بیرونی که هر کدام در علم خویش سرآمد دانشمندان آن زمان و در آن دربار گرد آمده بودند همدم و همنشین بود تا آن که مأموران محمود غزنوی به دربار مأمون خوارزمشاه آمدند و آن چهار دانشمند را برای حضور در دربار سلطان محمود، مطالبه کردند. ابوعلی دیدار محمود و حضور در دربار او را خوش نداشت به همین جهت با ابوسهل مسیحی شبانه از خوارزم به سوی خراسان گریخت. آن دو در بیابان باورد راه گم کردند و ابوسهل از شدت درد و رنج گرسنگی و تشنگی درگذشت و ابوعلی با تحمل سختی های فراوان، سرانجام به نیشابور رسید و از آن جای به گرگان رفت و چندی در گرگان اقامت کرد سپس رهسپار دیار ری شد (سال ۴۰۵) و مجدالدوله فرزند فخرالدوله دیلمی، حاکم ری را درمان کرد و در همین شهر کتاب المعاد خویش را تألیف کرد. آن گاه از ری به قزوین و همدان رفت و حدود ده سال در همدان اقامت کرد و به وزارت شمس الدوله ابوطاهر خسرو فرزند فخرالدوله دیلمی رسید (فرمانروای همدان) در زمان وزارت ابوعلی سپاهیان شمس الدوله علیه ابوعلی شورش کردند و عزل او را خواستار شدند. ابوعلی چهل روز در خانه یکی از بزرگان همدان (ابوسعید بن دقدوک) پنهان بود تا آن که آشوب فرو

نشست و دوباره به وزارت منصوب شد و در همان ایام طبیعیات کتاب شفا را تالیف کرد. در سال (۴۱۲) شمس الدوله در گذشت و پسرش سماء الدوله به جای پدر بر تخت سلطنت نشست و مقام وزارت را به ابوعلی پیشنهاد کرد ولی ابوعلی نپذیرفت و به اتمام طبیعیات و الهیات شفا همت گماشت.

و در همین ایام بود که تاج الملک و زیر سماء الدوله، ابوعلی را به مکاتبه با علاءالدوله کاکویه حاکم اصفهان متهم کرد و سماء الدوله فرمان داد تا ابوعلی را در قله فردجان (در ناحیه فراهان) زندان کردند و ابوعلی در مدت چهار ماه که در آن قلعه زندان بود کتاب های الهدایه و حیی بن یقطان و القولنج را تالیف کرد.

بعد از رهایی از زندان چندی در همدان بود تا آن که با شاگردش ابوعبید جوزجانی (که در همه جا همراه استاد خویش بود) و برادر و غلام در لباس صوفیان: از همدان بیرون رفت و به اصفهان روی آورد و به خدمت علاءالدوله کاکویه، حاکم اصفهان شتافت و مورد عزت و احترام آن فرمانروا قرار گرفت و در جنگ و صلح همدم و همراه آن امیر بود و به تضعیف و تألیف و تعلیم می پراخت تا آن که در سال ۴۲۷ که با علاءالدوله به همدان می رفت بیمار شد و در همدان درگذشت و در همان شهر مدفون شد.

ابوعلی سینا مردی نیرومند، صاحب جمال، نیکو منظر و ظرایف و دارای قوای جسمانی کامل بود. به همین سبب با وجود مشاغل فراوان سنگین و دشوار احساس خستگی نمی کرد و شب ها تا دیرگاه به مطالعه و تحقیق و تالیف مشغول بود و در عین حال که به وزارت و منادمت پادشاهان وحل و فصل امور و مهمات مملکت مشغول بود و یا درد و رنج سفر را تحمل می کرد از مطالعه و تالیف و تحقیق لحظه ای غافل نبود. نبوغ وی در حکمت و طب تا آن حد بوده است که در درمان بیماران داستان های بسیاری از آن حکیم بزرگوار نقل کرده اند از آن جمله، حکایت هایی در چهار مقاله نظامی عروضی مقاله سوم در ماهیت علم طب.

شیخ الرئیس، ابوعلی سینا صاحب فضایل و کمالات علمی و یگانه عصر و زمان خویش بود و هنوز کتاب های حکمی و الهی و طبی او مورد توجه و از جمله متون درسی و مورد استفاده دانشگاه ها و حوزه

های علمی شرق و غرب می باشد. تنها عیبی که بر ابوعلی گرفته اند آن که از فضای عصر و حتی از حکمایی مانند افلاطون به زشتی یاد می کرده و سخنانی تند و ناروا بر زبان می آورده است.

ابن سینا

و آثار او به زبان عربی و زبان فارسی

پس از فتح ایران ساسانی به دست سپاهیان اسلام، حدود سه قرن زبان عربی یعنی زبان قرآن و اسلام، زبان رسمی ایران بود و مردم این سرزمین به زبان عربی سخن می گفتند و کتاب ها و آثار خود را به زبان عربی می نوشتند و اگر چه با روی کار آمدن دولت های نیمه مستقل و مستقل ایرانی زبان فارسی دری باز رواج پیدا کرد و زبان رسمی ایران و مردم ایران شد و به فارسی سخن گفتند و آثار مکتوب و حتی نامه های درباری را به زبان فارسی نوشتند، علما و دانشمندان ایران از دیر باز کتاب های علمی و دینی خود را به زبان عربی یعنی زبان رسمی جهان اسلام می نوشته اند و هنوز هم علمای دینی آثار خود را بدین زبان می نویسند.

دانشمندان معاصر شیخ نیز کتاب های خود را به زبان عربی نوشته اند از آن جمله ابوریحان بیرونی که چند سال با شیخ در دربار مأمونیان خوارزم مصاحب و معاشر بود، آثار خود را به زبان عربی و تنها التفهیم را به زبان فارسی نوشت که از جمله سند های ارزشمند ادبی دوره سامانی و غزنوی است.

شیخ الرئیس نیز آثار علمی خود را به زبان عربی نوشته و با قدرت و تسلطی که به زبان عربی داشته مطالب خود را با نثری روان و روشن و رسا به مقصود بیان کرده است.

این حکیم از نکارش آثار به زبان فارسی، زبان مادری خود غافل نمانده و برخی از کتاب های خود را به فارسی روان و ساده و شیوا نیز نوشته که از جمله مفاخر ادبی دوره سامانی و سند مهم واژه هایی فارسی دری است.

ابوعلی ، علاوه بر همه این فضایل استعدادی شگرف در شاعری داشته و با وجود آن همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی و علمی اشعاری فصیح و بلیغ به عربی و فارسی سروده که نمایان گر ذوق و قریحه توانا و تسلط کامل وی در شعر و شاعری می باشد.

از جمله سروده های فارسی این نابغه بزرگ که در تذکره ها و سفینه ها گرد آمده، چند قطعه و قصیده و رباعی می باشد که شامل بیست و دو قطعه و جمعاً شصت و پنج بیت است. از جمله مآخذی که اشعار فارسی وی را ثبت و ضبط کرده اند، تذکره آتشکده آذر، تذکره ملا محمد صادق ناظم تبریزی ، مجمع الفصحاح و ریاض العارفین هدایت، مجالس المومنین قاضی نورالله و نامه ی دانشوران را می توان نام برد.

شادروان استاد سعید نفیسی ، استاد دانشگاه تهران اشعار آن حکیم را جمع آوری و در مجله مهر (شماره ۱۲، سال چهارم) چاپ کرده است و همچنین ادوارد برون مجموعه اشعار فارسی شیخ الرئیس را در کتاب تاریخ ادبیات ایران آورده است.

ابن سینا و اشعار فارسی او

در انتساب این اشعار به ابوعلی جای تردید نیست زیرا به موجب ویژگی های سبکی موجود در این ابیات که چند بیت از آن ها با برخی از ویژگی های لفظی سبکی و معنوی آن ها در زیر آورده می شود مسلم است که شعر مربوط به دوره سامانی و غزنوی اول (دوره خراسانی اول) است و با توجه به معنوی و علمی بودن آن ها، منسوب به آن حکیم بزرگوار.

عذای روح بود باده رحیق الحق	که رنگ و بوش کند رنگ و بوی گل را دق
به رنگ، زنگ زداید ز جان اندهگین	همای گردد اگر جرعه ای بنوشد بق
به طعم تلخ چو پند پدر ولیک مفید	به پیش مبطل باطل، به نزد دانا حق
می از جهال شد به شرع حرام	چو مه که از سبب منکران دین شد شق
حلال گشته به فتوای عقل بر دانا	حرام گشته به احکام شرع بر احمق
حلال بر عقلا و حرام بر جهال	که می محک بود و خیر و شر ازو منشق
غلام آن می صافم کز و رخ خوبان	به یک دو، جرعه برآرد هزار گونه عرق
چو بوعلی می ناب ارخوری حکیمانه	به حق حق که وجودت به حق شود ملحق

وزن عروضی شعر (مفاعلهن، فاعلان بفاعلن فع لن - فع لان) بحر مجتت، مرکب، مجنون، اصلم (اصلم مسبغ مشمن) یا بحر مضارع، مرکب، مقبوض - مجنون، متناوب - اصلم (اصلم مسبغ) مشمن از حیث وزن، مستحکم و حاکی از آگاهی و تسلط کامل شیخ بر اوزان عروضی و توانایی کامل او در سرودن شعر سستی - در بیان مضامین علمی و ادبی

قافیه در کلمه های - دق - بق - حق - شق - احمق - منشق - عرق - ملحق و شاعران استاد، دانند که آوردن قافیه با رعایت حرف روی (ق) کاری ساده نیست. شیخ در سرودن شعر با رعایت این مهم در قافیه، نیک مسلط و توانا بوده است.

برخی از ویژگی های سبکی (لفظی) این ابیات ،

- سادگی و روانی
- تکرار در بیت اول مصراع دوم - (رنگ و بوی)
- در بیت دوم ، رنگ و ژنگ (جناس مضارع + همای و بق - تضاد
- در بیت سوم به طعم تلخ چو پند پدر- تشبیه محسوس به معقول - (مبطل - دانا - و - باطل -
حق تضاد)
- در بیت چهارم ، جهالت و جهال ، جناس اشتقاق -) شرع و دین و منکر ، تناسب ماه و شق القمر تلمیح و استناد به آیه شریفه « اقزبت الساعة و الشق القمر »
- در بیت پنجم ، حلال و حرام ، تضاد - دانا و احمق : تضاد - حلال و حرام و فتوی و احکام و شرع تناسب
- در بیت ششم ، حلال و حرام - عقلا و جهال ، خیر و شر: تضاد
- در بیت هفتم : یک ، دو ، هزار ، سیاقه الاعداد
- در بیت هشتم ، تکرار حق ، سه مرتبه

این ویژگی های لفظی می رساند که شعر مربوط به دوره سامانی و غزنوی اول و دارای انسجام پختگی و توصیف است و واژه های عربی آن افزون تر از دوره سامانی و کمتر از شعر فرخی و منوچهری است.

- اکنون به ذکر و بررسی چند رباعی شیخ الرئیس می پردازیم
- دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست ولی موی شکافت
- اندر دل من هزار خورشید بتافت
و آخر به کمال ذره ای راه نیافت

وزن عروضی رباعی ها : بحر هزج ، مشمن ، اخبز مکفوف و اهتّم و بیت دوم در همین بحر ، اخبز مقبوض مکفوف اهتّم سروده شده قافیه در هر چهار مصرع دعایت شده : رعایت وزن و قافیه ، زیبایی شکل ظاهر و معنی و مفهوم استادانه و عالمانه است.

ویژگی های سبکی : گر چه - حرف ربط شرطی مرکب از حیث دستور زبان درست بکار رفته زیرا بر سر جمله پایه (اما یا ولی) بکار نبوده است.

کاربرد اندر به جای در از ویژگی های دوره سامانی است و همچنین تکرار سوی

اما کاربرد . یک (یک موی) از تارگی های سبکی دوره غزنوی است (غزنوی اول)

شعر در دوره سامانی و غزنوی اول سروده شده که انتساب آن به شیخ الرئیس می تواند صائب باشد.

- تا باده عشق در قدح ریخته اند و اندر پی عشق عاشق انگیخته اند

- با جان و روان بو علی مهر علی چون شیر و شکر به هم در آمیخته اند

ویژگی های سبکی : کاربرد اندر به جای در . ایجاز و اختصار . عشق و عاشق : جناس اشتقاق شیر و

شکر تناسب (بررسی و نتیجه مانند رباعی اول)

- در این رباعی ابوعلی به صراحت مذهب و عقیده خود را که شیعه علی علیه السلام است بیان

کرده

۱- کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکم تر از ایمان من ایمان نبود

درد هر چو من یکی و آن هم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

۲- از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حلّ

بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل

دو رباعی فوق نیز دارای ویژگی های سبکی رباعی های فوق الذکر است.

و رباعی شماره ۲ بیان گر تسلط والای علمی شیخ الرئیس است .

آثار مثنوی فارسی ابن سینا

ابوعلی برخی از آثار خود را به زبان مادری یعنی به زبان فارسی دری نوشته است از جمله آثاری که در انتساب آنها به شیخ الرئیس جای تردید نیست و یا کمتر می تواند تردید کرد، دانشنامه علایی، رساله نبض (رگ) و رساله استخراج، قراضه طبیعیات و شرح رساله حیی بن یقطان و رساله معراجیه را می توان نام برد. از جمله آثار دیگر فارسی که به شیخ نسبت داده اند و در انتساب آنها به او جای تردید بیشتر است (شرح فارسی آن ها نه متن عربی) کتاب ها و رساله های زیر است:

- کنوزالمعزمین که ظاهراً ترجمه ای است از کتاب نیرنجیات و طلسمات شیخ به زبان عربی که به دلالت متن فارسی آن نمی توان قبول کرد که این رساله را شیخ به زبان فارسی دری تصنیف کرده باشد زیرا که متن فارسی آن با توجه به ویژگی های سبکی بیان گر آن است که در قرن های بعد به زبان فارسی نوشته و یا ترجمه شده است.
- ظفرنامه : که گویا متن اصلی آن به زبان پهلوی بوده و
- برای نوح بن منصور ترجمه شده است.
- حکمه الموت : ترجمه حکمه الموت شیخ الرئیس به زبان عربی
- رساله نبض ، المبدأ و المعاد ، المعاد ، اثبات النبوه ، علل تسلسل موجودات، رساله جودیه معیارالعقول ، علم پیشین و برین ، رساله منطق ، رساله عشق ، رساله اکسیر ، رساله در اقسام نفوس رساله در معرفت سموم و رساله حل مشکلات مغیبه.

دانشنامه علایی

دانشنامه علایی، یا دانشنامه علاییه یا حکمت علاییه را شیخ به خواهش علاء الدوله کاکویه فرمانروای اصفهان نوشته و بنا بر توضیحات مقدمه شیخ می خواسته در این مجموعه، مطالب مربوط به الهیات، طبیعیات، هیأت، موسیقی، حساب و هندسه و مسائل ما بعد الطبیعه را تحریر کند ولی موفق نشد که این کار را به اتمام برساند و باقی مانده کتاب و فصول هیأت هندسه حساب و موسیقی را بعد از او شاگردش ابوعبید جوزجانی با ترجمه از کتاب های دیگر شیخ به انجام رسانید. از این کتاب نسخه هایی موجود است و سه بار به چاپ رسیده است. اهمیت کتاب در آن است که حاوی یک دوره کامل حکمت مشاء می باشد که برای اولین بار به زبان فارسی نوشته شده است و دیگر آن که دارای اصطلاحات منطقی و فلسفی بسیار به زبان فارسی است.

اینک قسمتی از مقدمه این کتاب به عنوان نمونه نثر دانشنامه آورده می شود.

« فرمان بزرگ خداوند ما، ملک عادل، مؤید مظفر، علاء الدوله و فخر الملّه و تاج الاثمه، ابوجعفر محمد بن دشمنزیار، مولی امیر المومنین که زندگانش دراز باد و بخت پیروز، و پادشاهیش بر افزون، آمد به من بنده و خادم درگاه وی، که یافته ام اندر خدمت وی همه کام های خویش از ایمنی و بزرگی و شکوه و کفایت و پرداختن به علم و نزدیک داشتن، که باید خادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم به پارسی دری که اندر وی اصل ها و نکته ها پنج علم از علم ها حکمت پیشینگان گرد آورم به غایت مختصری. یکی علم منطق که وی علم ترازو است و دوم علم طبیعیات که علم آن چیزهاست که به حسنّ شاید دید و اندر جنبش و گردش اند و سوم علم هیئات و نهاد عالم و حال و صورت و جنبش آسمان ها و ستارگان چنان که باز نموده اند که چون بشایست حقیقت آن دانستن، چهارم علم موسیقی و باز نمودن ساز و ناسازی (ی) آوازا و نهادن لحن ها و پنجم، علم آنچه بیرون از طبیعت است »

برخی از ویژگی های سبکی متن « دره اول نثر مرسل »

- ۱- کاربرد اندر به جای در (۲ مورد)
- ۲- کاربرد «مر» حرف نشانه تأکیدی (۲ بار)
- ۳- کاربرد ضمیر عاقل «وی» برای غیر عاقل « کتابی تصنیف کنم به پارسی دری که اندر (وی) ، ...
- ۴- آوردن همزه بعد از مصوت بلند آ «اصل ها و نکته هاء پنج علم از علم ها حکمت
- ۵- ساختن اسم به قاعده فارسی از اسم فاعل و یا مفعول عربی با افزودن یای مصدری به آخر صفت (به غایت مختصری)
- ۶- کاربرد نمودن در معنی اصلی نشان دادن و شرح دادن (۲ مورد) چنان که باز نموده اند-بازنمودن سبب ها
- ۷- کاربرد بای تأکید (۲ مورد) بشاید بشایست.
- ۸- کاربرد متمم بعد از فعل برای تأکید کتابی تصنیف کنم به پارسی
- ۹- رعایت رسم الخط صحیح دال و ذال آخر کلمه
- ۱۰- تکرار ضمیر وی (۷ بار)
- ۱۱- رعایت صورت اصلی واژه های کهن (پارسی)
- ۱۲- رعایت سادگی و روانی
- ۱۳- رعایت ایجاز و اختصار
- ۱۴- خودداری از کاربرد صنایع

بعضی از ویژگی های سبکی تازه در متن (مربوط به دوره غزنوی)

- ۱- کاربرد سجع ساده علاء الدوله، فخر المله ، تاج الاثمه
- ۲- افزایش واژه های عربی بیش از چهاردرصد معمول دوره سامانی
- ۳- حذف فعل به قرینه لفظی که زندگانش دراز باد و بخت پیروز (باد) و پادشاهیش بر افزون (باد)

۴- تقلید از ترتیب جمله بندی عربی و تقدم فعل بر دیگر اجزای جمله « که یافته ام اندر خدمت وی همه کام های خویش ،

۵- فاصله افکندن بین فعل و فاعل «فرمان بزرگ خداوند ، و بعد از سه سطر فعل جمله آمد به من بنده »

ویژگی های لفظی سبکی : می رساند که این کتاب مانند تاریخ بیهقی اما ساده تر و نزدیک تر به نثر دوره اول مرسل نوشته شده دارای نثری روان و به دور از صنایع لفظی می باشد و در جهت علمی و ادبی در انتساب آن به شیخ الرئیس تردیدی نیست.

قراضه طبیعیات

یکی دیگر از تالیفات ابن سینا به زبان فارسی ، قراضه طبیعیات است که حکیم آن را نیز به سبک قدیم یعنی به زبان فارسی دری نوشته است و ما نمونه ای از نثر شیوا و روان این کتاب را برای آشنایی بیشتر در زیر یاد می کنیم .

« همت امرا و ملوک آن است که شغل ها ، کی می خواهند کی شهر گشاذن بدان بود و ولایت گرفتن و خزائن و اموال جمع کردن و هرچ نفیس تر و شریف تر از آن مال ها چون جواهر و ظرایف ، خویشتن را ذخیره کنند تا بدان استمتاع این جهانی گیرند و این چنین حال هر چند نیکوست آخر گذرنده است و سریع زوال .

و امیر رئیس اجل ما از همت همتی ازین بزرگتر هم کرده است و آن آنست تا می خواهد که هر چه اندر جهان انواع علوم است نزدیک خویش حصر کنند و آن گاه تمییز صائب خویش برو گمارد تا آنچه از طرف و نوا درست خویشتن را حاصل کنند تا بدان او را استمتاع و سعادت آن جهانی باشد و خدای جل و علا او را توفیق دهاذ بر آن .

و اینک برخی از ویژگی های لفظی سبک نگارش قراضه طبیعیات :

- ۱- رعایت رسم الخط درست دال و ذال آخر کلمه
- ۲- رعایت صورت قدیم نوشتن که = کی چه = چی هر که = هر ک هر چه = هر چ
- ۳- کاربرد اندر به جای در (۴ بار) که از ویژگیهای نثر دوره سامانی است و نثر مرسل
- ۴- کاربرد را برای مفعول شخصی و خویشتن را ذخیره کند.
- ۵- کاربرد صفت تفضیلی به جای صفت عالی نفیس تر = نفیس ترین شریف تر = شریف ترین
- ۶- کاربرد این « حرف تعریف توصیفی » این چنین حال ها
- ۷- رعایت سادگی و روانی
- ۸- رعایت ایجاز و اختصار
- ۹- خودداری از کاربرد صنایع
- ۱۰- کاربرد همزه به جای (یای اضافه) شغل هاء ...

ویژگی های تازه سبکی

حذف (کی شهرگشاذن بدان بود و ولایت گرفتن (بدان بود) و خزاین و اموال جمع کردن (بدان بوذ و سریع زوال است)

افزایش واژه های عربی نسبت به آغاز دوره سامانی

این ویژگی ها دال بر آن است که این کتاب در اواخر قرن چهارم نوشته شده و انتساب آن به شیخ الرئیس صائب است.

رساله نبض (رگ)

از جمله رساله هایی که در صحت نسبت آن به شیخ الرئیس و قدمت و اصالت آن شکی نیست رساله نبض است که قسمتی از نثر شیوا و روان و سره آن ذکر می شود.

« به اول بیاید دانست که آفریدگار ما که حکمت وی داند و مر دانشجویان را از آن اندکی آگاهی داده است چهار گوهر اصل که اندرین عالم زیر آسمان است بیافرید. یکی آتش و یکی هوا و یکی آب و یکی خاک تا از ایشان به کمابیش آمیزشی ، چیز های دیگر آفریند چون ابر و باران و سنگ و گوهر گداختن پذیر و گوهر رونده و گوهر شناسنده به حق و گوهر مردم

معتدل آمیزشی از این چهاران مردم بود و مردم را از گرد آمدن سه چیز آفرید یکی تن که وی را به تازی جسد گویند و بدن خوانند ددیگر جان که وی را روح خوانند و سیوم روان (که وی را) نفس خوانند جسد کثیف است و روح لطیف است و نفس چیزی است بیرون از این سه گوهرها و لطیفی وی جز لطیفی روح که معنی لطیفی روح تنک است و باریک گوهری و روشن سرشتی و لطیفی نفس دیگر است کاندرین تنکی به کار نیاید و مانده است به لطیفی سخن و لطیفی معنی

بعضی از ویژگی های لفظی سبک متن بالا (ویژگی های نثر مرسل دوره سامانی)

- ۱- سادگی و روانی
- ۲- ایجاز و اختصار جمله ها
- ۳- خودداری از کاربرد صنایع لفظی و معنوی
- ۴- توجه به کاربرد واژه های سره فارسی به جای واژه های عربی مردم . د دیگر - آمیزشی = ترکیب . گوهر روینده ثبات
- ۵- کاربرد (بای تاکید) بدانست بیافرید (۲ بار)
- ۶- کاربرد (مر) حرف نشانه تاکید (مر دانشجویان را)
- ۷- تکرار - گوهر (۴ بار متوالی) مردم (سه بار) لطیفی (سه بار)

- ۸- رعایت رسم الخط دال و ذال آخر کلمه (۶ بار)
- ۹- کاربرد مردم در معنی مفرد (سه بار)
- ۱۰- ساختن اسم از صفت (اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه عربی) - به قاعده فارسی یعنی افزودن یای مصدری به آخر واژه صفت: لطیفی = لطافت. کنیفی = کثافت
- ۱۱- مطابقت عدد و معدود (سه گوهرها)
- ۱۲- کاربرد ضمیر عاقل برای غیر عاقل (غیر ذوی العقول) لطیفی وی مقصود نفس
- ۱۳- آوردن متمم بعد از فعل برای تاکید در نفس چیزی است بیرون ازین سه گوهرها
- ۱۴- کاربرد اندر به جای در: اندرین عالم

با توجه به ویژگیهای سبکی بالا- روشن می شود که رساله نبض بیش از دیگر آثار فارسی ابن سینا به نثر مرسل دوره اول سامانی نزدیک است و شاید این کهنگی و قدمت به علت عدم دستبرد و دخالت کاتبان و نساخان بوده که به این کتاب کمتر دسترسی و توجه داشته اند.

شرح رساله حیّ بن یقطان

اصل رساله به عربی و تالیف ابو علی سینا بوده است و کسی به فرمان علاء الدوله آن را به پارسی دری باز گردانده است. این رساله نیز به سبک قدیم تالیف شده است و مسلم است که کتب علمی را تا دیر زمانی به سبک قدیم می نوشته اند. برخی از محققان ترجمه را به ابوعبید جوزجانی شاگرد ابوعلی نسبت می دهند و اینک نمونه ای از نثر روان و ساده و شیوای این کتاب:

نمونه نثری از ترجمه رساله حیّ بن یقطان

«بیاید دانستن که ایزد جلّ و علا مردم را از دو گوهر آفرید یکی تن و دیگری روان که ورا بتازی نفس گویند و به حقیقت مردم وی است و دریا بنده علم های کلی و بیرون آورنده پیش هاء نفس

است و هر نفس را ایزد تعالی چنان آفرید به طبع و چنان سرشت که هر بار که ورا باز دارنده نبوذ از کار خویش ، دانش ها را طلب کند و قصد اندر یافتن علم ها کند و آهنگ شناختن ایزد و فرشتگان کند و خواهد که پایگاه هر یک بشناسد و پیوند ایشان یک به دیگر و پیوند همه (با) ایزد تعالی اندر یابد و به اندر یافتن آنچه خواهد بودن از عالم غیب مشغول شود و بیايد دانستن که از بازدارندگان مرنفس را از کارهای طبعش این قوت هاء و دیگرند که مردم را دست دارند او آفریده است چون قوت خشم و قوت شهوت و قوت متخیله و حال ابن قوت ها سپستر بدید کنیم ...

ویژگی های سبکی دوره سامانی در متن بالا

- ۱- ایجاز و اختصار در جمله ها
- ۲- سادگی و روانی
- ۳- خودداری از کاربرد صنایع لفظی و معنوی
- ۴- خودداری از کاربرد واژه های عربی تا سرحد امکان
- ۵- کاربرد (بای تاکید) بیايد دانستن (۲ بار)
- ۶- کاربرد وجه مصدری کامل (بیايد دانستن - اندر یافتن - خواهد بوذن)
- ۷- تکرار ، بیايد دانستن (۲ بار) کند (سربار) - قوت (۴ بار)
- ۸- کاربرد مردم در معنی مفرد (۲ بار)
- ۹- کاربرد (مر) حرف نشانه تاکید (مرنفس را)
- ۱۰- کاربرد اندر به جای در (۲ بار)
- ۱۱- کاربرد همزه بعد از کلمه های مختوم به مصوب بلند آ به جای (ی) اضافه (پیشهاء = پیشه های)
- ۱۲- رعایت رسم الخط درست دال و ذال آخر کلمه

۱۳- واژه کهن (یک به دیگر) = بایکدیگر سپستر = بعداز این

۱۴- کاربرد واژه های سره کنفارسی - دریابنده = احساس کننده . بیرون آرنده = خارج کننده -

بازدارنده = مانع - پذیرد کنیم = معلوم کنیم .

ویژگی های سبکی این متن بیان گر آنست که این کتاب به نثر کهن دوره سامانی نوشته شده است .

بسمه تعالی

بخشی از ویژگی های سبکی و واژه های فارسی سره

از الهیات دانشنامه علایی

صفحه ۱ آغاز علم برین = شروع علم مافوق الطبیعه

گونه = نوع

اندر = در

کردار = عمل

کنش = عمل

چه باید کردن وجه مصدری کامل = چه باید کرد

این جهانی = دنیا

آن جهانی = آخرت

بود = باشد

پیدا کرده آید = شرح داده شود

انبازی = اشتراک

انباز = شریک

شوی = زوج

خداوند = صاحب ، مالک

رهی = غلام ، خادم

صفحه ۳ - علم خود = علم خویشتن شناسی

بهم خانگان = هم خانواده

علم پیشین = علم تاریخ

سرای این علم ها = سوم

آمیزش = ترکیب

جنبش : حرکت

ص ۴ - اندر = در

، - مر = حرف نشانه تأکیدی

وجه مصدری کامل - مرایشان را تصور شاید کردن = بتوان تصور کرد

جنبش = حرکت

جنبش داران = متحرک ها : دارندگان حرکت

گردی = دایره شکل

درازی = طول

زر = طلا

سیم = نقره

مردمی = انسان

جدا نایستند = پایدار نمی ماند : پابرجا نمی ماند

صفحه ۵ - سیستر بدانی = بعد از این ...

باشند که چیز ها بوند = شاید چیزهایی باشند

که اندر علم انگارش دانند = که اندر علم تصوّر دانند = که اندر علم ریاضی دانند

به اندر یافت مردم : تشخیص و احساس و درک انسان

تشویش اندروی (به جای علم طبیعی = آن) : وی به جای آن

و اندر گردش و ورا پارها و کنارها بسیار است

گردش : حرکت ورا = آن را

پاره ها و کنارها = اجزاء ، حواشی (کناره ها)

الهیات دانشنامه علایی

ص ۶ : چون به جمله گیری (چندی است) : چندی = مجموع - کمیت

ص ۷ - کد امی این حال ها کد امی = چگونگی

نموده آید = نشان و شرح داده شود

اما جفت بودن = زوج بودن

طاق بودن = فرد بودن

سه سو بودن = مثلث

سپید = سفید

پذیرای گردش = قابل حرکت

به قوت بودن = واجب

به فعل بودن = ممکن

شاید بود = ممکن

باید که نگریده آید = باید دقت شود

شناختن = معرفت

ص ۸ - یگانگی وی = وحدت الهی

آموزند = تعلیم می گیرند

بیاموزانیم = تعلیم می دهیم

خرد = عقل

ص ۹ - که هستی وی اندر چیزی دیگر ایستاده بود وی - (آن) مقصود عرض

ایستاده بود = قائم باشد

ص ۱۰ - چنان که سپستر درست کنیم = بعداً شرح دهیم سبستر = بعداً

هیولی = مایه

ص ۱۱ - چلیپا = صلیب

ص ۱۲ - درازلی = طولی

برنیش = قطع

ص ۱۳ - ستبرا = ضخامت

درازنا = طول

پدید آمد = معلوم شد

پاره ها = اجزاء

ص ۱۵ : گمان = تصور

گسستگی = انقطاع

پیوستگی = وصل

ص ۱۶ = پنداشتن = تصور کردن

میانگین = متوسط

گرانگین = سنگین = بزرگ

ص ۱۷ - ساویدن = سایدن

همچند = برابر

یک اندر دیگر نشود = نرود

یک از دیگر = یکی از دیگری

رده = ردیف - دسته

فرازهم - با هم

پاره = جزء

ص ۱۸ هر دو بایستند = متوقف شوند

ص ۱۹ یک از دیگر = یکی از دیگری

ص ۲۰ = چوبی راست بر زمین راست = عمود قائم

ص ۲۲ گردش وی خردتر بود خردتر = کمتر، ناچیزتر

سخن دراز نکنیم = سخن را به درازا نکشیم

ص ۲۳ - نیمه = نصف

نیمه نیمه = ربع

نتوانند رسیدن = وجه مصدری کامل

ص ۲۴ - پدید کردن = معلوم کردن - شرح دادن

نشاید = سزاوار نیست

اولیتر = دویار در این صفحه (سزاوارتر)

خودی = وجود - هستی

ص ۲۶ - اندر ایستادگی به خودی خود = در پایدار و پابرجا بودن به خود

ص ۲۷ : چون به خودی بهلی : بگذاری (فعل امر از هشتن)

هشتن = گذاشتن - قرار دادن

ازین قبل = از این گونه : بدین ترتیب

کسسته شدن = انقطاع

چندی = کمیت

چگونگی = کیفیت

درستی = صحّت

مژه = مزه - طعم

ص ۲۹ - سه سوئی = سه بعدی

کجایی = آین

کپی = متی

نهاد = وضع

داشت = ملک

کنش = فعل

ص ۳۱ - ساوش = لمس کردن

ص ۳۲ - جنیدن = حرکت کردن

مپندار = تصور مکن

ص ۳۳ - یگانگی = یکی بودن

ص ۳۴ - چرایی = علت

ص ۳۵ - بهره = قسمت

ص ۳۶ - مردمان انسان ها (مردم در معنی مفرد است)

هست: وجود

ص ۳۷ - بازداشتن: مانع بودن

ص ۳۸ - میانجی = واسطه

ص ۳۹ - مشکک شاید شدن = شاید : سزاوار است در آن شک کردن

اندر هادت مردم رفته است : مردم عادت و قبول کرده اند

مردمان - مردمی : افراد بشر - انسانی - انسانیت

وی به عینه - اندر زید : زندگانی می کند

صورت بیوفته : تصور حاصل شود

نارونده : ساکن - متوقف

رونده = متحرک

فهرست منابع و مآخذ

قرآن مجید

سبک شناسی ملک الشعراى بهار محمد تقى سال ۱۳۳۷ چاپ دانشگاه

تاریخ ادبیات در ایران دکتر صفا ذبیح اله ۱۳۷۱ چاپ رامین

دانشنامه علایی - الهیات ابوعلی سینا با مقدمه و حواشی تصحیح دکتر محمد معین چاپ ۱۳۵۳

ابن سینا

و آثار او به زبان فارسی